

## گزارشی از وضعیت کارگران کنف کار

وبلاگ کارگر

دهم آبان ماه هشتاد و شش

این شرکت در مسیر جاده ی رشت- تهران قرار دارد. محصولات آن کنفی(مانند گونی) هستند. در حال حاضر تعداد کارگران ۲۰۳ نفر است. حدود ۱۰۰ نفر از کارگران بیش از ۲۵ سال سابقه ی کار دارند و در آستانه ی بازنشستگی هستند. کارخانه تا سال ۸۲ در دست دولت بود، کارخانه پس از واگذاری به بخش خصوصی دچار بحران شد. این مزایده از طریق دفتر فروش تهران و وزارت صنایع انجام گرفت. مالک جدید از وابستگان به هیئت حاکمه بود. کارفرما با هدف به تعویق انداختن پرداخت دستمزد کارگران در مسیر تولید بحران ایجاد می کرد. کارفرما گاهی سه ماه یکبار مبلغی در حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان به کارگران پرداخت می کرد، با این وجود کارگران همچنان سر کار حاضر می شدند. تا این که برف سنگین بهمن سال ۸۳ به کمک مالک جدید کارخانه آمد. ۱۵ روز پس از این واقعه کارخانه به بهانه ی خسارت ناشی از برف تعطیل شد، در حالی که کارخانه کوچکترین خسارتی ندیده است. (برای دریافت وام ۸۸ بلاعوض میلیون تومانی از ستاد بحران استانداری به دستور مالک تعدادی از شیروانی های سقف کنده شد) کارگران به اداره ی کار و سپس تامین اجتماعی جهت دریافت بیمه ی بیکاری معرفی شدند. بدین طریق کارگران ۱۴ ماه(تا تیر ماه ۸۵) بیمه ی بیکاری دریافت کردند. مبالغ دریافتی از ۱۰۸ هزار تومان تا ۱۵۰ هزار تومان در نوسان بود. کارگران خواستار بازگشت به کار بودند، در نتیجه بیمه ی بیکاری آن ها قطع شد. در کارگران ۱۴ ماه حقوق معوقه ی خود را از کارخانه طلب دارند. در اردیبهشت ماه سال ۸۶، دو نفر اسپانسر به کارخانه آمدند و به هر یک از کارگران بابت حقوق معوقه ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کردند و قرار شد در خرداد ماه مجمع عمومی تشکیل و به وضعیت و مطالبات کارگران رسیدگی نماید، ولی تا کنون از مجمع عمومی خبری نشده است.

زهرابی(مدیر عامل فعلی) که کارخانه را در مزایده مفت به چنگ آورده و چک های مدت داری به دولت داده، با گرفتن وام بلاعوض از ستاد بحران استانداری تمام چک ها را پاس کرده است. او قبلا در زمان دولتی بودن کارخانه مدیر عامل شرکت بود و به خاطر اختلاس و سرقت و ارائه ی مدارکی در این خصوص از طرف کارگران به دادگاه در سال ۶۵ محکوم به زندان شده بود.(زهرابی هنگام سوار شدن هواپیما در فرودگاه دستگیر شد.) در همان زمان وی جهت ارباب نمایندگان کارگران در شورای اسلامی آنان را به وزارت اطلاعات معرفی کرده بود. اطلاعات نیز از خدمتگزاری فرو گذاری نکرد. او با همین روش نمایندگان فعلی کارگران را تحت فشار قرار داد، چنان که یکی از آن ها خود را کنار کشید و دو نفر دیگر متزلزل شدند. دیگران هم حاضر به تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نماینده از بین خود نیستند.

قبه (از خریداران ورشکسته ی ایران الکتریک) بخشی از زمین های بایر کارخانه ی کنف را در زمان فعال بودن

کارخانه از دولت خریداری کرد و بین کارخانه و زمین خریداری شده دیوار کشی نمود. خانه های سازمانی، مهدکودک، درمانگاه و دو انبار را از کارخانه جدا ساخت و دستگاه های موجود در کارخانه ی ایران الکتریک را به آنجا منتقل کرد. از این دستگاه ها مدتی برای تولید استفاده شد و سپس تعطیل گردید. در حال حاضر سند این زمین در گروی دریافت دو میلیارد تومان نزد منابع طبیعی قرار دارد که با پرداخت این مبلغ از سوی زهرابی سند به نام او خواهد شد. قبه با در دست داشتن سند و نقشه به تفکیک زمین ها اقدام کرد.

در حالی که قبه و زهرابی مبالغ هنگفتی را به جیب زدند، دو واقعه ی جانگداز در کارخانه به وقوع پیوست. حسن حسنی به دلیل فقر و نداری در محوطه ی کارخانه خود را حلق آویز کرد. در شهریور ماه حجت کامدیده(از اهالی انزلی) با ۱۳ سال سابقه ی کار خودکشی کرد. قرار بود طبق گفته ی نماینده ی کارگران تا پایان شهریور ماه دولت با فروش دستگاه های از کار افتاده ی کارخانه نسبت به پرداخت حقوق معوقه ی کارگران(هر یک از کارگران بیش از ۳ میلیون تومان طلبکار هستند) اقدام کند اما تا کنون پولی به کارگران پرداخت نشده است. در گذشته هر از گاهی کارگرانی که در آستانه ی بازنشستگی بودند برای دریافت حقوق معوقه ی خود به دادگاه شکایت کرده و از طریق حکم تامین اموال کارخانه و فروش دستگاه های کارخانه طلب خود را دریافت و بازنشست می شدند. با این وجود سازمان تامین اجتماعی نیز به دلیل بالا بودن بدهی کارخانه حاضر به بازنشسته کردن کارگران نیست. با توجه به شکایت کارگران برای دریافت حقوق معوقه، دادگاه شهرستان سنقر(از توابع استان گیلان) حکم توقیف اموال(متناسب با حقوق معوقه ی کارگران که توسط اداره ی کار ۶۱ میلیون تومان تعیین شده بود) کارخانه صادر کرد. تاریخ ۸۶/۷/۶ برای آخرین مهلت پرداخت حقوق معوقه تعیین شده بود. زهرابی از طریق وکیل خود(سمیعی) ۱۵ روز مهلت گرفت. در حالی که مبیعه نامه ی زهرابی قطعی نشده بود از سوی نماینده ی کارگران به او اعتراض شد که حق جلوگیری از فروش ماشین آلات را ندارد. کارگران هر دو ماه یکبار جهت دریافت حقوق معوقه ی خود به اداره ی کار مراجعه می کنند و بر اساس آن تقاضای دریافت آن را از طریق دادگاه سنقر اقدام می کنند. که مرحله ی دوم طلب کارگران حدود ۳۰۰ میلیون تومان است (کارگران ۱۶ ماه حقوق معوقه ی خود را نگرفته اند) و حکم آن اخیرا به دنبال حکم اول از طریق دادگاه سنقر صادر شده است. شش ماه قبل حدود ۱۵ نفر از کارگران جهت روشن شدن وضعیت خود به وزارت صنایع در تهران مراجعه کردند که نتیجه نگرفتند. زهرابی برای انتقال مالکیت کارخانه و قطعی شدن مبیعه نامه، که از طریق سازمان ورشکستگی قوه قضاییه به حراج گذاشته شده بود، باید مبلغ ۲ میلیارد تومان به منابع طبیعی و برای بدهکاری های شرکت به سازمان تامین اجتماعی را می پرداخت. زهرابی این کارخانه را ۵۵ میلیون تومان به علاوه بدهکاری های کارخانه در مزایده خریداری کرده بود. اما تا کنون مبیعه نامه آن قطعی نشده است. خبر مهم دیگر، حمید جهانبانی، یکی از کارگران فعال و معترض که امسال همراه دیگر کارگران به تهران و وزارت صنایع مراجعه کرده بودند، مدت ۲ ماه است که از نام برده خبری نیست و در مقابل پیگیری کارگران از خانواده ی وی حرف های ضد و نقیضی شنیده می شود. تا کنون کسی از سرنوشت او خبری ندارد.

کارگران با وجود حکم دادگاه، سرگردان این وزارت خانه و آن وزارت خانه می شوند. دولت هم با تمام شعارهایی که می دهد طرف سرمایه را می گیرد و کارگران سرگردان دالان پر پیچ و خم بوروکراسی حاکم به خوبی متوجه

می شوند که دولت سرمایه هوای سرمایه داران را دارد. آن جایی که کارگران معترضی مثل حمید جهانبانی به سرمایه داران اعتراض می کنند سر به نیست می شوند و دولت هم صلاح سرمایه را در این می بیند که سکوت پیشه کند. کارگری که از فرط فقر و نداری دست به خودکشی می زند نشانه ی بیماری سازمان جامعه ای است که بر پایه ی شیوه ی تولید سرمایه داری بنا شده است. سرمایه دارانی چون قبه و زهرابی با زد و بند با دولت سرمایه، محصول کارگران را به ارزان ترین قیمت ممکن می خرند که نتیجه ای جز فقری که کارگرانی چون حسن حسنی و حجت کامدیده را خسته از این اداره و آن اداره رفتن می کند تا چاره ی خود را در خودکشی ببینند. درک کارگران کنف کار درد همه ی ما کارگران حقوق معوقه، اخراجی و بیکار است که امنیت شغلی نداریم. اعتراض جداگانه ی کارگران راه به جایی نمی برد. اعتراض کلیه ی کارگران و ایجاد تشکل سراسری است که می تواند در برابر این بی حقوقی مقابله علم کند.

اختصاصی وبلاگ و نشریه ی کارگر

پنجشنبه دهم آبان توسط کارگر